



نخستین کلمات وحی مردم را به خواندن آیات الهی فرا می خواند

آیت الله میرعظیمی گفت: خداوند در اولین سخنان خود با رسولش مردم را به خواندن آیات الهی و تدبیر در خلقت و آفرینش خود فرا می خواند.

آیت الله میرعظیمی گفت: خداوند در اولین سخنان خود با رسولش مردم را به خواندن آیات الهی و تدبیر در خلقت و آفرینش خود فرا می خواند. به گزارش خبرنگار مهر، آیت الله سید مختار میرعظیمی استاد حوزه علمیه اظهار کرد: طبق نظر شیعیان و با استناد به روایات از ائمه معصومین (علیهم السلام) ۲۷ ماه رجب، روز بعثت نبی گرامی اسلام و آغاز نزول قرآن می باشد. در مقابل دانشمندان سنی آغاز رسالت پیامبر را با استناد به آیات نزول قرآن در سوره بقره و شهر رمضان اذی أنزل فيه القرآن؛ و سوره دخان «حم؛ وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ؛ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ» و سوره قدر «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» در ماه رمضان می دانند. آیت الله میرعظیمی ادامه داد: آنان معتقد هستند نزول قرآن در ماهی اتفاق افتاده که قرآن در آن فرو فرستاده شده درحالی که محدثان و مفسران شیعه این آیات را مربوط به محل نزول قرآن نمی دانند و معتقد هستند مسئله بعثت در ماه رجب و نزول کل قرآن در شب قدر دو مطلب مجزا با خصوصیات خود هستند که به تفصیل در کتب مربوطه به آن پرداخته شده است. به طور مختصر می توان گفت که اعتقاد شیعیان علی فرشته و رجم نظرات متعدد بر این است که ابلاغ رسالت پیامبر و وجود تدریجی قرآن از ۲۷ ماه رجب از غار حرا و با ندای فرشته ای که به ایشان فرمود: «یا محمد إِنْكَ لِرَسُولِ اللَّهِ» و نزول پنج آیه اول سوره علق آغاز شد و قرآن تا پایان عمر مبارک آن حضرت به صورت تدریجی بر ایشان نازل گردید و در مقابل وجود جمعی و علمی و واقعی قرآن در شب قدر به یک باره بر قلب پیامبر نازل گردید درحالی که پیامبر همواره از تمام قرآن آگاهی داشتند، چنانچه در آیه ۱۱۴ سوره طه به ایشان چنین سفارش شده که: «وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ؛» در تلاوت قرآن عجله مکن پیش از آنکه حکم وحی آن صادر گردد. استاد برجسته حوزه علمیه خاطرنشان کرد: ارتباط اعجاز آمیز نخستین کلمات وحی شده به پیامبر مثل خواندن، رب، علق، قلم، خلقت، انسان و تفسیر و توضیح و انطباق آنها با شرایط و ویژگیهای زمانی و مکانی، همه نشان از خارق العاده بودن این امر عظیم و استثنایی دارند. فرشته وحی در اولین خطاب خود به پیامبر می گوید: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» خداوند در آغاز کار بر رسولش تأکید دارد که بازهم به نام پروردگارش بخواند چرا که تنها او «تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» است. او «قَالُوا بَلَىٰ» و پیمانی بزرگ با پروردگار خود در عالم بالا دارد که اکنون با بعثت خود خبر آغاز آن را دریافت کرده و لذا مجای هر رنج و خطری در مسیر انجام تعهد خویش است. آیت الله میرعظیمی گفت: «رب» خواندن خداوند در آیات نازل شده به معنی مالک مصلح و خدایی است که هم مالک چیزی است و هم تربیت کننده و اصلاح کننده و گر آن و این نوع خطاب پاسخی جامع در برابر عقیده مشرکان بود که قائل به خالقیت خدا بودند ولی به قدرت ربوبیت و تدبیر خداوند ایمان نداشته و آن را به بتهای ساخته دست خود نسبت می دادند، آنان برای هر عملی بتی داشتند و در کارهای خود از آنان کمک می طلبیدند. امیرالمؤمنین عقاید آن روز آنان را چنین تشریح می کند: «مردم آن روز دارای مذهب و گوناگون و بدعت های مختلف و طوایف متفرق بودند، گروهی خداوند را به خلقت تشبیه می کردند و برای او اعضایی قائل بودند و برخی در اسم او تصرف می کردند و جمعی به غیر او اشاره می کردند و سپس آنان را به وسیله رسول اکرم هدایت کرد و به معارف الهی آشنا ساخت.» استاد برجسته حوزه علمیه تصریح کرد: خداوند در اولین سخنان خود با رسولش مردم را به خواندن آیات الهی و تدبیر در خلقت و آفرینش خود او به عنوان احسن الخالقین از ناچیزترین چیز ممکن یعنی علق دعوت می کند و قدرت عظیم خود در تدبیر چنین موجود پیچیده ای را گوشزد و یادآوری می کند. آیت الله میرعظیمی بیان کرد: خداوند در اوج قدرت و درحالی که مالک هستی بوده و قادر به انجام هر کاری است، با مخلوق خود با منطق و احترام سخن می گوید و راه و بیراهه را به او نشان می دهد و می فرماید: «الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ؛ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» و باز بر آفرینش انسان ارج نهاده و او را در تعیین مسیرش آزاد می گذارد و به انتخاب با تدبیر و تعقل در سایه علم و دانش دعوت می کند و ندای فطرت پاک را وسیله قضاوت معرفی کرده و از همان آغاز می فهماند که آنچه فرستاده، حقیقتی محض و غیرقابل انکار است، اگر انسان بیاندیشد و طغیان نکند. امام علی در این مورد می فرماید: «قَبَعَتْ فِيهِمْ رُسُلُهُ وَ أَتَرَتْ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذِنَهُمْ مِثْقَالَ فِطْرَتِهِ وَ يَذْكُرُوهُمْ مَنْسِيَّ نِعْمَتِهِ وَ يَحْتَجُّوا عَلَيْهِمْ بِالتَّبْلِيغِ وَ يُثِيرُوا لَهُمْ دَقَائِنَ الْعُقُولِ وَ يُرَوِّهُمُ آيَاتِ الْمَقْدَرَةِ؛» پس خداوند متعال رسول خدا را در میان آنان برانگیخت و پیامبرانش را پیای سوی ایشان فرستاد تا از آنان بخواهد عهد الهی را که در فطرتشان نهاده است ادا کنند و نعمت فراموش و یادشان آورند و با رساندن پیام الهی حجت را بر آنان تمام کنند و گنجینه های خردهایشان را بیرون آورند و نشانه های قدرت خدا را به آنها نشان دهند.

استاد برجسته حوزه علمیه تأکید کرد: همچنین پیامبر گرامی در بیانی می‌فرماید: «خداوند رسولان را به سوی مردم فرستاد تا او را بر آفریدگانش حجتی رسا باشند و فرستادگانش به سوی آنها گواه بر ایشان باشند و پیامبران بشارت‌گر و بیم‌دهنده را در میان مردم برانگیخت تا اگر هلاک می‌شوند، از روی دلیل باشد و اگر به حیات و سعادت دست می‌یابند، آن هم از روی دلیل باشد و برای اینکه بندگان آن چه را درباره پروردگارشان نمی‌دانسته اند، بدانند و ربوبیت او را که منکرش بودند بشناسند و الوهیتش را که برای آن شریک قائل بودند، یگانه دانند».

آیت‌الله میرعظیمی ادامه داد: امام صادق (ع) درباره فلسفه نبوت در پاسخ خود به زندقی که درباره راه اثبات پیامبران سؤال کرد، چنین فرمود: «إِنَّا لَمَّا أَثَبْنَا أَنَّ لَنَا خَالِقًا صَانِعًا مُتَعَالِيًا عَنَّا وَ عَن جَمِيعِ مَا خَلَقَ وَ كَانَ ذَلِكَ الصَّانِعُ حَكِيمًا مُتَعَالِيًا لَمْ يَجْزِ أَنْ يَشَاهِدَهُ خَلْقُهُ وَ لَا يَلَامُسُوهُ فَيَاشْرَهُمْ وَ يَحَاجُّهُمْ وَ يَحَاجُّوهُ، ثَبَتَ أَنَّ لَهُ سَفَرَاءَ فِي خَلْقِهِ؛ يَعْبُرُونَ عَنْهُ إِلَى خَلْقِهِ وَ عِبَادِهِ وَ يَدُلُّونَهُمْ عَلَى مَصَالِحِهِمْ وَ مَنَافِعِهِمْ وَ مَا بِهِ بَقَاؤُهُمْ وَ فِي تَرْكِهِ فَنَاقُؤُهُمْ؛ چُونِ مَا ثَابِتَ كَرَدِيمٍ كَمَا رَأَى آفَرِيدُكَارٍ وَ سَازَنْدَه؛ ای است برتر از ما و از همه آنچه آفریده و آن سازنده، حکیم و متعال است به و بی‌طوری؛ که روا نباشد آفریدگانش او را ببینند یا لمس کنند و در نتیجه، بتوانند با یکدیگر ارتباط مستقیم و بی‌واسطه برقرار سازند و با هم بحث و مجامعه کنند، ثابت شد که در میان خلق خود سفیران و فرستادگانی دارد که سخنان او را برای آفریدگان و بندگان بیان می‌کنند و آنان را به مصالح و منافعی و عوامل ماندگاری و نابودی؛ شان رهنمون می‌شوند».

استاد برجسته حوزه علمیه گفت: در سخن گفتن از مسأله بعثت علاوه بر علت و فلسفه آن و لزوم ارسال رسل مسایل بسیار زیادی از جمله حساسیت موقعیت و شرایط ویژه سرزمینی که محل نزول وحی قرار می‌گیرد، مطرح می‌شود که هر کدام از مباحث به صورت کلی و جزئی، دارای ابعاد گسترده و قابل توجه است. نزول قرآن به عنوان بی‌مثال‌ترین کتاب آسمانی و عرضه اسلام با نام کامل‌ترین دین آسمانی و ظهور پیامبر آخر الزمان در بیابانی به دور از هر گونه امکانات زندگی که هیچ توجهی در تاریخ به آن نشده، در میان تعصبات قومی و قبیله‌ای عمیق و مردمی که هیچ اثری از تمدن برای آنان سراغ نداریم و عرضه آیینی که جهانی گشته و محبوب‌ترین تفکرات و عقاید برای انسانها به دور از رنگ و جنس و زبان با شعار: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ» می‌گردد، همگی بوی معجزه دارند. طلوع آفتاب اسلام از سرزمینی اتفاق می‌افتد که قرآن درباره آن می‌گوید: «وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا؛ که ای جمعیت عرب؛ قبل از گرویدن به آیین اسلام بر لب پرتگاه بودید، سپس به وسیله اسلام نجات یافتید» و در آیات خود وضع جامعه آنروز و زشتی اعمالی چون زنده به گور کردن دختران و سنتهای غلط را بیان می‌کند و از اصطلاح «دوران جاهلیت» استفاده می‌کند.

آیت‌الله میرعظیمی خاطرنشان کرد: در تاریخ تمدن اسلام و عرب آمده است وقتی سردار یونانی برای تصرف عربستان وارد آنجا شد عرب‌ها به او گفتند: «ما این ریگستان را بدون وسایل زندگی انتخاب کرده‌ایم تا سر بر فرمان کسی ننهیم اگر بمانی دچار هزاران مشکل خواهی شد پس تحفه»‌های ما را بپذیر و از اینجا برو زیرا نبطی از معیشت خود دست بردار نیست و طرز زندگی خود را عوض نخواهد کرد». همین اعراب جاهلی و بدوی که حاضر به هیچ تغییری نبودند و در جواب دعوت پیامبر، به آیین اجداد خود فخر فروشی می‌کردند، با قبول اسلام و رسوخ تعالیم الهی و بی‌نظیر آن در جان و روحشان از حکومت قبیله‌ای و بدوی به سمت حکومت جهانی حرکت کردند و از قبایل پراکنده امتی تشکیل شد که توانستند در زمانی کم و بدون تجهیزاتی که جامعه شناسان برای رشد قائل به آن هستند، عالی‌ترین و متمدن‌ترین فرهنگ بشری را بنیان نهند.

استاد برجسته حوزه علمیه ادامه داد: چگونگی این تحول عظیم هنوز برای کسانی که به مطالعه تاریخ می‌پردازند جای بسی تعجب دارد که چگونه عرب بادیه‌نشین حجاز در کنار اعراب صاحب فرهنگ و متمدن یمن و مناطق اطراف به خصوص دو ابرقدرت روم و ایران قد علم کرد و دست دوستی به سوی همه نژادها دراز کرد و در سایه تعالیم اسلام و تحت پرچم رهبر خود به و عنوان کامل و کننده مکارم اخلاقی با ایمان و اقتدار پیام «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» را در سراسر جهان با برترین و منصفانه‌ترین تعالیم عرضه کرد و شعار برابری و برادری سر داد و توانست امت واحد اسلامی تشکیل دهد. امام علی در خطبه ۱۹۲ درباره نعمت بزرگ اسلام و بعثت پیامبر چنین می‌فرماید: «بَنَغْرِدَ بِنِعْمَتِ هَآئِهِ؛ هَآئِهِ؛ که خداوند به هنگام فرستادن رسولی به سوی آنان عطایشان فرمود که فرمان آنان را به آیین خود پیوند داد و آنان را برگرد دعوت خویش همدل و هم‌دانشان ساخت (بنگرید که) چگونه این نعمت بال کرامت خویش را بر سر آنان گسترده و نهرهای ناز و نعمتش را برایشان روان ساخت و این آیین، با فواید و حاصل‌های برکت خویش آنان را فراگرفت و آنان را غرقه ناز و نعمت خود ساخت».

آیت‌الله میرعظیمی بیان کرد: معرفی اسلام و آیین یکتاپرستی توسط پیامبری انجام شد که خداوند در سوره جمعه می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ؛ اوست که در میان بی‌سوادیان فرستاده و ای از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به ایشان بیاموزد و قطعاً پیش از آن در گمراهی بودند».

پیامبر اکرم معروف به امین قریش که متعلق به شجره و ای خداپرست و معروف و پاک بود، در روز بعثت در اعلی درجه خودسازی و آمادگی قرار داشتند. عبادت‌ها و تفکرها و خلوت‌های طولانی و عنایات

الهی و سیر ایشان در چگونگی آفرینش، پذیرش این حادثه و ابلاغ عظیم را بر خلاف نظر برخی تاریخ نویسان که حالاتی مثل ترس و شک را به ایشان نسبت داده‌اند، کاملاً آسان و محیا کرده بود، آرامششان بیشتر از حضرت موسی در هنگام وحی و اطمینان‌شان قوی‌تر از حضرت عیسی در مسیری بود که پیش رو داشتند تا نه تنها تعلیم و آموزش بلکه تربیت انسان را در مسیر سعادت عهده‌دار شوند.

استاد برجسته حوزه علمیه تصریح کرد: نگرانی که در تاریخ از آن صحبت می‌شود نه به خاطر عدم آمادگی و غافلگیری ایشان بلکه نشان از بزرگی مسئولیت و خطیر بودن این بار سنگین دارد. علاوه بر اقرار تاریخ در شایستگی مقدماتی ایشان برای مقام رسالت خود پیامبر درباره مقام و جایگاهشان چنین می‌فرماید: «إِنَّ اتِّقَاكُمْ وَأَعْلَمَكُمْ بِاللَّهِ أَنَا» و «مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا أَفْضَلَ مِنِّي وَلَا أَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنِّي» که خود گویای شایستگی انحصاری ایشان برای کسب این مقام عظمی است.

آیت‌الله میرعظیمی گفت: حضرت علی در توصیف پیامبر می‌فرماید: «أَسْرَتْهُ خَيْرُ أَسْرَقٍ وَ شَجَرَتْهُ خَيْرُ شَجَرٍ، أَغْصَانُهَا مُعْتَدِلَةٌ وَ ثَمَارُهَا مُتَهَدِلَةٌ، مَوْلِدُهُ يَمَكَّةَ وَ هِجْرَتُهُ يَطِيبَةَ، عَلَا يَهَا ذِكْرُهُ وَ أَمْتَدَّ مِنْهَا صَوْتُهُ؛ دودمان او بهترین دودمان است و شجره‌اش بهترین شجره و شاخه‌هایش در اعتدال است و میوه‌هایش آویخته، زادگاهش مکه و هجرتش به مدینه طیبه، در آنجا آوازش بلند شد و صدای دعوت او از آنجا به همه رسید»؛ و هیچ پیامبری به اندازه نبی گرامی اسلام رسالتش سنگین و پرمشقت نبوده است که پیامبر می‌فرماید: «مَا أَوْذَى أَحَدٌ مَثَلِ مَا أَوْذَيْتَ فِي اللَّهِ»؛ نتیجه همه زحمات و وعده خداوند برای جاودانگی اسلام در روزگاری است که علی‌رغم همه تبلیغات و دشمنی‌ها علیه اسلام روزبه‌روز در حال پیشرفت بوده و حقانیت آن بیش‌ازپیش آشکار می‌شود و در انتظار حکومت جهانی و سراسر عدالت مهدوی است.